

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اینډیپنډنت انګلیسی
نویسنده: الین دیویدسون
فرستنده: علی کاظمی
۰۵ نومبر ۲۰۲۳

اینډیپنډنت: چرا اسرائیل یک دولت آپارتاید است؟



یک نگاه گام به گام به چگونگی آغاز آپارتاید در آفریقای جنوبی و پذیرش آن توسط اسرائیل کلمه "آپارتاید" که به معنای واقعی کلمه "جداسازی" است، در ابتداء به سیاستی اشاره داشت که در سال ۱۹۴۸ در آفریقای جنوبی ارائه شد. اگرچه این سیاست به عنوان راهی برای توسعه برابر اما جداگانه گروه های نژادی در این کشور به تصویر کشیده شد، اما روند "جدا اما برابر" در این کشور، اینطور جلو نرفت. در دوران آپارتاید، مردم به عنوان "بومی"، "رنگین پوست"، "آسیائی" یا "سفید" طبقه بندی می شدند و این طبقه بندی ها تعیین کننده دسترسی به زمین، مدارس، منابع و غیره بود. قوانین آپارتاید برای رزرو بخش اعظم کشور برای سفیدپوستان آفریقای جنوبی و اسکان مجدد جمعیت غیر سفید در آنچه به نام "بانتوستان" خوانده میشد، طراحی شده بود که از مناطقی که سال ها در آنها زندگی می کردند بسیار دور بودند. در مناطق تحت کنترل سفیدپوستان، به غیر سفیدپوستان حقوق سیاسی، از جمله حق رای، تعلق نمی گرفت، زیرا آنها به عنوان شهروندان "سرزمین های خانگی" فرض می شدند که توسط دولت آپارتاید ایجاد شده بود و به طور ادعائی مستقل بودند. این هوملند "سرزمین های

خانگی” از حفره های کوچک (مناطق محاصره شده توسط دیوار یا سیم خاردار) و غیر سودآور تشکیل شده بودند که منابع یا فرصت های شغلی یا توسعه اقتصادی نداشتند.

این سیستم همچنین شامل گذرنامه هائی بود که غیر سفیدپوستان باید با خود حمل می کردند تا بتوانند در مناطق خاصی از کشور زندگی، کار یا حتی سفر کنند. این “قوانین گذرنامه” بدنام اصلی ترین ابزار کنترل بودند و تا سال ۱۹۸۶ ادامه داشتند.

این شبکه قوانین محدود کننده توسط یک پلیس دولتی وحشیانه اعمال می شد و هزاران نفر از افریقای جنوبی، عمدتاً سیاه پوستان و “رنگین پوستان”، زندانی، شکنجه یا کشته شدند.

پس از دهه ها مقاومت مسلحانه و بدون خشونت در داخل کشور و یک کمپین بین المللی برای انزوای اقتصادی و سیاسی افریقای جنوبی، این قوانین در اوایل دهه ۱۹۹۰ لغو شد و در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی جدیدی تصویب شد. امروزه آپارتاید به هر سیستم تبعیض نژادی اشاره دارد و در کنوانسیون آپارتاید سازمان ملل به عنوان جنایت علیه بشریت طبقه بندی می شود.

پس چرا دیده بان حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل حقوق بشر، گروه حقوق بشر اسرائیلی Bet’salem و بسیاری دیگر اسرائیل را یک دولت آپارتاید اعلام کرده اند؟ یکی از اصول اساسی سیستم افریقای جنوبی مصادره زمین و کنترل منابع توسط مهاجران سفیدپوست بود. اسرائیل این فرآیند را تقلید کرده است. در اسرائیل/فلسطین، زمین های تحت کنترل اسمی فلسطینی ها تنها ۲۲ درصد از فلسطین تاریخی را تشکیل می دهد. صدها هزار فلسطینی در سال های ۴۸-۱۹۴۷ به طور دائم به تبعید فرستاده شدند، زمانی که شبه نظامیان صهیونیست کل روستاها را به وحشت انداختند و قتل عام کردند. بسیاری دیگر توسط تهاجم سال ۱۹۴۷، زمانی که ارتش اسرائیل کرانه باختری و نوار غزه را اشغال کرد، که تا به امروز ادامه دارد، اخراج شدند.

سه مرحله عقیم سازی در اسرائیل وجود دارد: فلسطینیان نمی توانند مغازه ای در خیابان باز کنند، فلسطینیان نمی توانند با وسیله نقلیه در خیابان رانندگی کنند و فلسطینیان نمی توانند حتی اگر خانه آنها در خیابان باشد در خیابان راه بروند. این عبارت استعاره ای برای سرکوب و تبعیض سیستماتیک اسرائیل علیه فلسطینیان است. فلسطینیان به طور فزاینده ای از حقوق اساسی خود محروم می شوند، از جمله حق آزادی رفت و آمد، حق اشتغال و حق تحصیل.

حتی خاکی که طرفداران راه حل دو دولتی به آن معتقدند که باید تشکیل یک دولت فلسطینی احتمالی را عملی کند، منسجم نیست. این به دو بخش تقسیم شده است: کرانه باختری اشغالی و نوار غزه، که اگرچه از نظر فنی اشغال نشده است، اما از مرزهای زمینی و دریائی خود توسط اسرائیل مسدود شده است.

کرانه باختری خود به مناطقی تقسیم شده است که به طور فزاینده ای توسط شهرک های اسرائیلی احاطه شده و در آنها نفوذ می کند. دیوار جدائی اسرائیل (که توسط فلسطینیان دیوار آپارتاید نامیده می شود) که گاهی اوقات از وسط روستاها می گذرد (در یک مورد از وسط یک زمین بازی مدرسه ابتدائی) و کشاورزان را از زمین خود جدا می کند، منطقه را بیشتر قطعه قطعه می کند. این منطقه پر از ایست بازرسی و سایر تاسیسات نظامی است و از جاده هائی که فقط برای صهیونیست ها مجاز است عبور می کند.

هم در داخل مرزهای رسمی اسرائیل و هم در سرزمین های اشغالی، قوانین متعددی وجود دارد که غیر یهودی های اسرائیل و ساکنان کرانه باختری و نوار غزه را به عنوان شهروندان درجه دوم رده بندی می کند. به عنوان مثال: در سال ۲۰۲۱، کنست اسرائیل قانون ملی یهودی را تصویب کرد که اسرائیل را به عنوان کشور ملی ملت یهود اعلام می کند و به این ترتیب ملت فلسطین به عنوان پست ترین ملیت رده بندی میکند. دیوان عالی اسرائیل این قانون را تأیید

کرد. یکی از اصول راهنما دولت فعلی این است: “ملت یهود حق انحصاری و غیرقابل انتقال بر همه سرزمین های کشور اسرائیل را دارد”.

یهودیان از سراسر جهان می توانند تابعیت اسرائیل را دریافت کنند و در عین حال تابعیت قبلی خود را حفظ کنند. غیر یهودیان می توانند برای تابعیت درخواست دهند، اما باید تابعیت قبلی خود را کنار بگذارند، سه سال به عنوان ساکن دائم زندگی کرده باشند و دانش دانستن زبان عبری را نشان دهند (اسرائیل به طور رسمی یک کشور دوزبانه، عربی و عبری است). فلسطینیانی که پناهنده هستند و در اسرائیل امروز متولد شده اند، اجازه بازگشت و درخواست تابعیت را ندارند.

ساکنان فلسطینی بیت المقدس شرقی به دلیل دیواری که از میان شهر می گذرد، به طور فزاینده ای از زندگی در شهر خود جدا می شوند. از آنجائی که برای آنها غیرممکن می شود به مناطق تجاری و سایر مناطق دسترسی داشته باشند، برای نیازهای خود به مناطق دیگر می روند و در معرض خطر از دست دادن مجوز اقامت خود در قدس و دسترسی به شهر و خدمات دولتی هستند.

فلسطینیان در سرزمین های اشغالی تحت بازداشت اداری اختیاری تا شش ماه هستند که قابل تمدید است، که منجر به این می شود که بسیاری از فلسطینیان سال ها بدون اتهام و بدون امکان تجدید نظر در بازداشت باشند.

منابع در کرانه باختری اشغالی به طور نامتناسبی به شهرک های اسرائیلی اختصاص داده می شود. به عنوان مثال، شهرک ها به ازای هر نفر تا ده برابر بیشتر از جوامع فلسطینی آب مصرف می کنند و فلسطینی ها باید قیمت های بالاتری بپردازند.

فلسطینی های ساکن کرانه باختری تحت کنترل ارتش اسرائیل هستند، اما ساکنان شهرک های غیرقانونی اسرائیلی در این منطقه چنین نیستند. قوانین عملیات ارتش اسرائیل در کرانه باختری به آنها اجازه نمی دهد تا به سمت اسرائیلی های ساکن شهرک ها شلیک کنند یا آنها را دستگیر کنند، حتی اگر مسلح بوده و رفتاری خشونت آمیز باشند. فلسطینی های ساکن غزه نمی توانند آزادانه حرکت کنند. کل منطقه توسط اسرائیل مسدود شده است و کنترل ورود و خروج را بر عهده دارد.

خانه های فلسطینی ها، هم در داخل اسرائیل و هم در کرانه باختری، دائماً در معرض تخریب قرار دارند زیرا مقامات اسرائیلی به آنها مجوز ساخت و ساز نمی دهند (روستای بادیه نشینی العرقوب در صحرای نگو، از سال ۲۰۱۰ بیش از ۲۰۰ بار تخریب شده است). شهرک های اسرائیلی در کرانه باختری که طبق قوانین بین المللی غیرقانونی هستند، توسط ارتش اسرائیل محافظت می شوند.

به دلیل حضور صهیونیست های یهودی، بسیاری از خیابان های شهر الخلیل برای ساکنان فلسطینی ممنوع هستند. آنها توسط ارتش اسرائیل به عنوان “عقیم” شناخته می شوند. سه سطح عقیم سازی وجود دارد: فلسطینی ها مجاز به افتتاح مغازه در خیابان نیستند، فلسطینی ها مجاز به رانندگی در خیابان نیستند، و فلسطینی ها مجاز به عبور از خیابان نیستند، حتی اگر خانه آنها در خیابان باشد. شهر پر از نردبان هایی است که بین پشت بام ها قرار دارد و به عنوان راه دسترسی به خانه هایی استفاده می شود که ساکنان آنها نمی توانند از در خانه خود عبور کنند.

اینها تنها چند نمونه از سرکوب و تحقیر روزانه ای است که فلسطینی ها در اسرائیل و تحت اشغال رژیم صهیونیستی با آن مواجه هستند. جای تعجب نیست که اسقف اعظم افریقای جنوبی، دیموند توتو، در سال ۲۰۱۴ گفت: “من از نزدیک می دانم که اسرائیل در داخل مرزهای خود و از طریق اشغال خود، واقعیت آپارتاید را ایجاد کرده است. شباهت ها به کشور خودم، افریقای جنوبی، واقعاً دردناک است”.

او خواستار تکرار کمپین تحریم، خروج سرمایه و تحریم شد که در نهایت به پایان رژیم نژادپرستانه در افریقای جنوبی کمک کرد: “کسانی که همچنان با اسرائیل تجارت می‌کنند و به ایجاد احساس “عادی بودن” در جامعه اسرائیلی کمک می‌کنند، به مردم اسرائیل و فلسطین خیانت می‌کنند. آنها به حفظ یک وضعیت موجود عمیقاً ناعادلانه کمک می‌کنند”.